

## آرمانگرایی، پیروزی و شکست در نهضت مشروطه

منبع : مرکز اسناد انقلاب اسلامی

<http://www.ir-psri.com/Show.php?Page=ViewArticle&ArticleID=260&SP=Farsi>

پیرامون انقلاب مشروطیت از سوی موافقان، مخالفان و منتقدان، رسائل و کتب بسیاری نگاشته شده است. بعضی از آنها در اوائل انقلاب مشروطه و دوران پایانی حکومت قاجار، بعضی در سالهای 1320 - 1332 و بعضی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به چاپ رسیده‌اند. بسیاری از این آثار به زیور چاپ آراسته نگردیده و به صورت خطی در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی بایگانی شده‌اند. مطالعه و پژوهش در محتوای رسائل فوق تحقیق پیرامون نویسندگان رساله و شناخت مواضع سیاسی فکری آنان از اهمیت خاصی برخوردار است. بعنوان نمونه به چند رساله در این باره اشاره می‌کنیم:

- 1- سؤال و جواب در فوائد مجلس شورای ملی، نصرالله سادات اخوی، تقوی، تهران، 1324 ق.
  - 2- رساله راه نجات، صنیع‌الدوله هدایت، 24 ص.
  - 3- سؤال‌هایی دائر بر مشروطیت، حاج یوسف آفاتاخر تبریزی، 32 ص.
  - 4- مشروطه مشروعه، سید عبدالحسین لاری، 1325 ق.
  - 5- ارشادالاعبادالی عمارةالبلاد، محمد اسماعیل محلاتی، نجف اشرف، 1328 ق.
  - 6- اللئالی المربوطه فی وجوب المشروطه، محمداسماعیل محلاتی، بوشهر 1327.
- تنبيه‌الامه و تنزیه‌المله فی الزوم المشروطه یا حکومت از نظر اسلام. این اثر در عصر مشروطه نشر یافت. عالم مجاهد و مفسر ژرف اندیش مرحوم آیت‌الله سید محمود طالقانی در سال 1334 با مقدمه و حواشی آن را منتشر و از آن پس بارها نشر یافت. این رساله بارها به شکل مختلف (با حواشی و بدون مقدمه و اضافات) منتشر شده است.
- 8- آفتاب و زمین یا تنبيه‌الغافلین، میرزا عباس یزدی، 1333 ق.
- مسئلاً رسائل دیگر که به نوعی نقادی، رد، تخطئه مشروطیت با نگاه و بینش خاص باشند انتشار یافته‌اند. از آن جمله:

- 1- تذکره‌الغافل و ارشاد الجاهل، تهران، 1327 ق، این رساله به مرحوم شیخ فضل‌الله نوری نسبت داده شده است.
  - 2- کشف المراد من المشروطه و الاستبداد، محمد حسین تبریزی، تهران، 1325 ق.
  - 3- مرامنامه فرقه ترقی و تمدن نام‌خواه، یا خیال خام برای فریب عوام، حاج شیخ علی خراسانی، تهران (دوران مشروطیت)، بی‌تاریخ، بی‌جا.
  - 4- رساله تحریم مشروطیت، شیخ فضل‌الله نوری، تهران، 1326 ق.
  - 5- لوابیح، شیخ فضل‌الله نوری، چاپ زاویه حضرت عبدالعظیم حسنی(س)
- مسئلاً در عرصه‌ی مشروطه‌شناسی و نهضت مشروطیت، مخالفان و موافقان دارای ادله و براهینی بودند. خاصه اهل علم و صاحبان فکر. ولی حساب حکومت استبدادی قاجار، مجامع فراموشخانه، میرزاملکم خان ارمنی و احزاب و جمعیت‌های سوسیال دمکرات قفقازی و همچنین حساب برخی از مرتبین سفارت‌خانه‌های روس و انگلیس و فرانسه را باید از انقلاب مشروطه و انقلابیون جدا نمود. آن چه متفکران و نظریه‌پردازان در تائید یا رد نگاشته‌اند، باید به درستی و به دور از تعصب و تاجر مورد بازنگری قرار گیرد و با دقت مطالعه شود. خاصه امروز که ما وارد صدمین سالگشت این انقلاب می‌شویم، و از پس این انقلاب چند نهضت، خیزش و یک انقلاب دیگر داشتیم، شناخت عمیق و دقیق آن، راهگشای برخی معضلات و مشکلات سیاسی فرهنگی ما است.
- در دو دهه گذشته ما شاهد تحقیقات، تبعات و پژوهش‌های گسترده‌ای در این عرصه بودیم. ولی

هنوز کارمان به اتمام نرسیده. بخصوص بسیاری از رسائل خطی هنوز به زیور چاپ آراسته نگردیده است. اسناد و مدارک در داخل، آن سان که نیازمندیم، در دسترس نیست. مسلماً کشورهای امریکا، انگلیس، روسیه، فرانسه، ترکیه (عثمانی آن روزگار) اسنادی از این دوران توسط کنسولگریها، مأموران ویژه و سفارتخانه جمع‌آوری نموده‌اند که عدم انتشار آن نقضی در ارائه دقیق انقلاب مشروطه می‌باشد.

به هر صورت موارد فوق «آیات یأس» نیست. هدف آن است که آن چه داریم در طبق اخلاص گذاشته، مورخان و پژوهندگان خود را سیراب کنیم تا آن مقداری که خصم دون همت یا خسیسان بی‌مروت پنهان نموده‌اند در تحولات بعدی به دستمان رسد.

چاپ اول «رساله انصافی» در بیان مشروطیت به قلم ملا عبدالرسول مدنی کاشانی و با مقدمه ملاحیب کاشانی (پدر همسر ایران) در سال 1328 ق در 418 صفحه نشر یافت.

ملاعبدالرسول کاشانی از علمای بزرگ کاشان، فرزند مرحوم ملامحمدبن ملا زین‌العابدین آقا علی شیرازی می‌باشد. تولدش در 27 رجب 1280 ق در شهر کاشان و وفاتش در 11 دی 1325 شمسی (صفر 1366) است. تحصیلات را در محضر آیت‌الله سید محمدکاظم یزدی، حاج میرزا فخرالدین نراقی و ملا حبیب‌الله کاشانی به پایان رساند و به جایگاه بلندی از علوم و معارف دست یافت. مرحوم ملاعبدالرسول در تألیف و تصنیف بسیار مجد و کوشا بود و در دفاع از حریم ولایت و ساحت مقدس مکتب تشیع و تبیین و تشریح متون اسلامی خستگی ناپذیر و استوار بود. ایشان دارای تألیفات متعدد در زمینه‌های مختلف علمی بود که خود بیانگر وسعت اطلاع و آگاهی‌های آن بزرگوار از معارف اسلامی و مبین مرزبانی آن عالم ربانی از ثغور و حدود اسلام و قرآن است.

ایشان در طول عمر 85 ساله خود، تحولات چهل سال قبل از انقلاب مشروطه، و چهل سال بعد از آن را درک و نسبت به مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی نگرش عمیق و دقیقی داشت رساله «تاریخ اشرار کاشان» پیرامون نایب حسین کاشی، تحلیلی دقیق از بعضی شرارت‌ها و اشرار منطقه می‌باشد. از مرحوم ملاعبدالرسول افزون بر 20 رساله و کتاب باقی مانده، بخصوص در مسائل سیاسی تاریخی کتاب‌های رد بایه و بهائیه، رساله حجابه، تاریخ وهابیه، سئوال و جواب مسلمان و بهائیه 2 مجلد به طبع رسیده است.

در پیرامون پیدائی نهضت مشروطیت روایت‌های مختلفی مطرح می‌شود. جمعی آغازش را مبارزه ملاعلی کنی عالم بزرگ علیه قرارداد «لاتاری» می‌دانند. دسته‌ای شروع آن را از نهضت تنباکو و تحریم آن توسط مرجع تقلید آیت‌الله میرزای شیرازی و گروهی استبداد و خودسری عین‌الدوله در تهران را نقطه شروع می‌شمارند. برخی دیگر استبداد پنجاه ساله ناصرالدین شاه، عقب‌ماندگی ایران، مظالم و فجایع درباریان، دوله‌ها، سلطنه‌ها، گسترش مفساد و وابستگی‌های روزافزون مملکت به غرب، سلطه‌ی روس و انگلیس در ایران و مزدوری و شیدائی عده‌ای از درباریان به غرب را دلیل شکل‌گیری نهضت مشروطه می‌شمارند... شاید همه موارد فوق را بتوان در رشد، گسترش، فراگیری نهضت مؤثر دانست.

اما آن چه با حقیقت و واقعیت بیشتر وفق می‌دهد، نظریه اول است که حرکت مشروطه توسط مصلح بزرگ جهان اسلام سید جمال‌الدین‌اسدآبادی آغاز و با نهضت تنباکو اوج گرفت. مرگ بهنگام ناصرالدین شاه قاجار دیوار سنگین استبداد را فرو ریخت و زمینه را برای نقد، بررسی، تحلیل و انتقاد در مناظر و مجامع و شبنامه‌ها و اعلامیه‌ها باز نمود. مردم خواهان «عدالت‌خانه» بودند تا از ستم و ظلم حکام ولایات رهائی یابند. خواستار «قانون» بودند تا از افسارگسیختگی، هرج و مرج، سلطه سلطنه‌ها و دوله‌ها نجات پیدا کنند و تمامی اقشار مردم بر اصل قانون و قانون‌گرایی متفق شوند و نهایتاً خواهان تحول فرهنگی، اقتصادی، سیاسی شدند تا از چنگال استعمار روس و انگلیس رهائی یابند. درگیری‌ها

هر روز شدیدتر می‌شد و بالاخره شاه وقت، مظفرالدین شاه قاجار مجبور به تسلیم در برابر خواسته‌ها شد و ولی این خواسته‌ها و درگیری‌ها «مکان» داشت که آن «مساجد» و «اماکن مقدسه» بود و رهبرانی که جایگاه و پایگاه مردمی داشتند و آن روحانیت و مراجع بودند. راهبری از جایگاهی شروع شد که حکومت و حکومت‌گران جز تسلیم در برابر آن را هی نداشتند، و آن مرجعیت دینی بود.

در اینجا لازم می‌دانم به صورت مختصر ولی کلی و اصولی عوامل انقلاب مشروطیت را از رساله «انصافیه» ملا عبدالرسول کاشانی بازگو کنم. او که عالمی ژرف اندیش بود عوامل انقلاب را در چند اصل بیان می‌کنند. و در تحلیل خود ماهیت، هویت، رسالت، اهداف و رهبری انقلاب را مشخص می‌نماید:

- 1- آزادی، هر کس ملتزم است به اطاعت از قانون، تا دیگران نیز آزاد باشند.
  - 2- قانون باید مانع از انحصار باشد، چنان که در احتکار، مانع از اختیار نرخ جنس.
- در مورد ارکان مشروطه:
- اول: مقننه، یعنی باید جمعی را منتخب و وکیل اهل آن مملکت سازند که آن‌ها قانون صحیح وضع کنند.
  - 3 دوم: مجریه، باید دولت مشروطه دارای قوه مجریه باشد که هر قانونی که وضع شد وزراء آن را جاری کنند.
  - 4 سوم: قضائیه، فرق میان مقننه و قضائیه همان فرق میان فتوی و حکم است. مقننه حکم کلی را بیان می‌کند و قضائیه احکام جزئیات را.
  - 5 سپس ایشان به اصول مشروطه اینگونه اشاره می‌کنند.
  - 1- آزادی مجامع، در امور مملکتی و ولایات که مدخلیت در سیاست و تدبیر دارد
  - 2- آزادی ملت در حق انتخاب برای «دارالشوری» یا «مجلس شورای ملی»
  - 3- آزادی در قلم و طبع و صنعت و کسب و وسائل لوازم. اما تمام این موارد در تحت اطاعت از قانون و آزادی در مورد تمام مردم صدق می‌کند.
  - 8 آزادی در عقاید، تعلق به امور معاشیه و سیاستیه دارد.
  - 4- سپس به بررسی سیره و سنن ائمه (ع) در رابطه با اظهار عقیده، تصحیح عقاید تحت قانون بحث مفصل می‌کند.
  - 9
  - 5- دیگر از اصول مشروطیت تساوی در محاکمات است. یعنی شاه و گدا و فقیر و غنی را به یک نظر ببینند.
  - 10
  - 6- دفع ظلم و ستم و تعدی است، تکمیل مقامات انسانیت بسته به این صفت است چون ظلم همان منکر است.
  - 11
  - 7- امنیت بر نفس و عرض و مال است که فی‌الواقع غرض از تمام زحمات انبیاء و وضع قوانین و دفع ظلم‌ها است تا این که مردم ایمن باشند تمام مجازات‌ها برای امنیت است.
  - 12
  - 9- تشهیر مفاوضات سیاسیه است. و این اصل بعد از اثبات آزادی قلم و طبع، خود ثابت می‌شود.
  - 13
  - 10- هر کس دارای نبوغ، استعداد، توان باشد باید در مقام خود قرار گیرد و نباید او را منع از آن نمود. اصل عدل همین است و در شرع مورد تأکید قرار دارد.
  - 14
  - 11- مسئولیت هر صاحب منصبی است که در اجرای قانون مسئول باشد. قانون باید اجرا شود.
  - 15
  - 12- در دادن و گرفتن مالیات آنچه در توان است، بدون توجه به موقعیت و امکانات سیاسی و روا بط شخصی.
  - 16
  - 13- تأسیس مکتب‌خانه‌ها برای تعلیم و تربیت و احداث مریض‌خانه برای نیازمندان که منطبق با قانون و

شرع است. 17

14- مساوات، برابر بودن در حقوق و اجرای قانون بدون توجه به موقعیت فرد. 18  
 15- برادری و گسترش محبت، صمیمیت، رعایت یکدیگر، حتی ترجیح دادن دیگران نسبت به خود. 19  
 این‌ها از اصول، اهداف، و خواسته و رسالت مشروطه‌خواهان بود که همه از متن کتاب آسمانی و احادیث ائمه هدی (ع) استخراج شده است.

انقلاب مشروطیت برآمده از علل و عواملی است که موقعیت زمان، حاکمیت استبدادی قاجار، سلطه و نفوذ استعمار، بی‌لیاقتی رجال سیاسی، عدم قانون‌گرایی در جامعه، عقب‌ماندگی علمی، فرهنگی، اقتصادی، بهداشتی و دهها دلیل اصلی و فرعی را می‌توان بر آن تصور و آن را تحلیل نمود. بدون تردید هر کدام از علل می‌تواند مورد بحث، تفصیل و مستنداتی باشد.

در پیرامون انقلاب مشروطه صدها کتاب، هزاران مقاله، دهها رساله خطی از آغاز نهضت تا به امروز نشر یافته، هر اندیشمند، مورخ، محقق، مؤلفی با توجه به مبانی فکری و منابع تحقیق و گرایش‌های سیاسی معنوی از زاویه خاص خود بدان پرداخته و اثری ارائه نموده است. آن چه شهرت دارد پیدائی انقلاب را در سه جریان تحلیل می‌نمایند:

1- انقلاب مشروطیت برگرفته از معارف دینی و قرآنی بوده، علما، مراجع در راه تحقق آن تلاش نمودند. تا پیروزی محقق شد. رهبری آن با مراجع ثلاثه نجف و علمای ثلاثه تهران (شهیدشیرازی، شهید سید عبدالله بهبهانی و طباطبایی) بود.

2- انقلاب مشروطیت «کپی» مشروطه غربی خاصه انگلستان است که توسط منورالفکران آن دوران به تقلید در برپائی آن تلاش و کوشش‌ها نموده و رهبران آن آخوندزاده، طالب‌اوف، تقی‌زاده، میرزا ملکم خان و ... بودند.

3- انقلاب مشروطیت از استانبول و به تقلید روشنفکران مسلمان ترکیه (امپراطوری عثمانی آن روزگاران) و اندیشه مصریان، نشأت گرفته و رهبران آن از روزنامه نگاران و منورالفکران جهان اسلام بودند.... مسلماً در حواشی این سه جریان تاریخ‌نگاری و مدعای مورخان خاص - تحلیل‌ها و خرده تحلیل‌هایی وجود دارد.

روند بعدی مشروطه، اختلاف میان علماء، درگیری مطبوعات، توطئه روس و انگلیس، شیطنت‌های لژهای ماسونری، نفوذ درباریان بود که مسیر انقلاب مشروطیت را از ماهیت و هویت و رهبری آن جدا کرد، روند جدائی به سوی صف‌آرایی در برابر هم، سپس به حذف یکی و سلطه‌ی دیگری انجامید که مسلماً پیروزی با جریان لائیک غرب‌گرای، انجمن‌های ماسونری و درباریان بود و شکست و انزوا، ترور و خانه‌نشینی برای علما و رهبران حقیقی و واقعی انقلاب. لذا انقلاب از مسیر خود منحرف شد. اکنون با تکیه بر نگرش و تحلیل ملاعبدالرسول کاشانی به مبانی انحراف مشروطیت می‌پردازیم:  
 بدون تردید با فرصت اندک و اختصار نمی‌توان به تحلیل علل شکست مشروطیت پرداخت، اما می‌توان فهرست‌وار محورهای را مطرح نمود. شاید از این رهگذر، زمینه‌ای برای نگرش جدید و عمیق به موضوع باشد.

1- بی‌عملی، بی‌تخصی و عدم آگاهی به علوم سیاسی، مدیریت، کشورداری. 20

2- طمع ریاست، قدرت، موقعیت و شهرت. 21

3- تراحم مشاغل، داشتن شغل، عنوان، ریاست متعدد در یک زمان، تا آن جا که برخی بیش از 10 عنوان و ریاست داشتند. 22

4- عدم تبعیت بعضی از اولیای امور از قانون. به تعبیر دیگر «زیر پا گذاشتن قانون»، «گذر از قانون»، «قانون‌شکنی»، «قانون‌ستیزی»، «دیکتاتوری»، «خودمحوری» و «عدم حاکمیت قانون». 23

5- سکوت عالمان آگاه و میدان‌داری جاهلان نادان در امور فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، مطبوعاتی و

کلاً در امور علمي و عملي جامعه. 24

6. فقر مادي، رکود اقتصادي، بي‌توجهي به توليدات و نيازهاي مبرم جامعه. 25
7. عادت به ظلم، ستمگري، تعدي به حقوق مردم، پشت پا زدن به منافع و موقعيت سياسي و اجتماعي و معنوي مردم. که اين از ميراث شوم شاهان و ديکتاتوري مستمر تاريخي است. 26
8. عدم خوف از اختلاف، درگيري، شکست، انحطاط جامعه در ميان اقشار مردم، بخصوص دولت‌مردان و رجال سياسي، که اين اختلافات به عدم اجراي قانون، عدالت، و عدم توانائي در مديريت اجرائي منجر شد. 27
9. یأس و نااميدي در ميان انقلابيون و مبارزان که در متن انقلاب بودند، ولي اختلافات، عدم رسيدن به آرمان‌ها، بي‌اعتنائي به مردمی که فقط براي عدالت، قانون، اسلام وارد ميدان شده بودند، کار را به انحراف و انحطاط و رکود کشاند. نسل مشروطه از اساس مشروطيت مأیوس و نااميد گشته و خود را منزوي نمودند و سياست را به اهل آن واداشتند. 28
- با توجه به موارد فوق عواملی چون روند سلطه فراماسون‌ها و ايادي غرب و بازگشت دوله‌ها و سلطنه‌ها به قدرت و حکومت و همچنين بي‌توجهي به رشد و توسعه علمي و فرهنگي جامعه، انقلابي با آن همه «همت و فداکاري و ايثار و گذشت و مبارزه و شهادت»، به پيروي جريان غربگرائي انجاميد و از درون آن «رضاخان» و «حکومت پهلوي» متولد شدند! اگر اين انقلاب مسير اصلي خود را طی مي‌نمود ما امروز در جايگاه و پایگاه قدرت و توانمندی علمي و عملي بوديم اين است که «تاريخ معلم انسان‌هاست» 29 و «جامعه‌ای که فاقد تجربه‌ی تاريخي می‌باشد، محکوم به شکست است.» 30 و ملتي که تجربه‌ی نسل‌های پيشين خود را ندارد، هم چون کودکی می‌باشد که فاقد حافظه باشد. 31 و امروز تاريخ را بايد مایه عبرت و آموزش خود قرار دهيم...

پانویس‌ها

- رساله انصافیه، آیت‌الله ملاعبدالرسول مدني کاشاني، کاشان، مرسل، 1378، 140 ص، رقعې.

1. ص 76.

2. ص 76.

3. ص 81.

4. ص 81.

5. ص 81.

6. ص 89.

7. ص 92.

8. ص 92.

9. ص 93-94.

10. ص 94.

11. ص 97-98.

12. ص 98-99.

13. ص 99-1012.

14. ص 103-104.

15. ص 104.

16. ص 104.

17. ص 105-108.

18. ص 114-118.
19. ص 123.
20. ص 124.
21. ص 124.
22. ص 124-126.
23. ص 129-130.
24. ص 132-135.
25. ص 137-137.
26. ص 132-135.
27. ص 137-137.
28. ص 137-140.
29. از سخنان امام خميني.
30. به نقل از جواهر لعل نهرو.
31. به نقل از مضمون آدلر انديشمند فرانسوي.

---

*History Site of Mirhadi hoseini*